

قاعده «هشدار» در قوانین موضوعه و بایستگی اصلاح رویکرد مقنن

تاریخ دریافت: 1396/05/12 تاریخ پذیرش: 1398/02/08 دکتر اصغر عربیان

*/ پرویز اکبری **

چکیده

قاعده هشدار یا تحذیر در فقه امامیه به عنوان یک قاعده کاربردی پذیرفته شده و به کار بستن این قاعده در رفع مسئولیت عامل زیان مؤثر و نیز در جلوگیری از وقوع حوادث بسیار راهگشاست. باین وصف قانونگذار در وضع قوانین و آیین نامه ها صرفاً به استفاده از واژه هشدار و واژگان مشابه اکتفا کرده و عملاً در وضع قوانین و مقررات به شرایط صدق قاعده هشدار و شرایط رفع مسئولیت توجه ننموده یا کمتر بدان التفات داشته است. این عدم توجه پیامدهای منفی از لحاظ دشواری در تعیین مسئول حادثه و نیز جلوگیری از خطرهای احتمالی آینده در حوادث دارد. ضمن اینکه تطبیق و استناد را هم با مشکل مواجه کرده است.

واژگان کلیدی: هشدار، قوانین و مقررات، رفع مسئولیت، شرایط هشدار، مسئول

حادثه

*. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(a.arabian42@gmail.com)

** دانش آموخته دکتری، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران (akbari499@yahoo.com).

مقدمه

قاعده هشدار (تحدیر) یکی از قواعد کاربردی در عرصه فقه و حقوق، به‌ویژه در باب مسئولیت مدنی است. برپایه مفاد قاعده یادشده اگر کسی پیش از عمل زیان‌بار آگاهی‌سازی و اجتناب از خطر را گوشزد نماید، لکن مخاطب هشدار علی‌رغم اطلاع، از خطر دوری نکند و از این رهگذر متحمل زیان شود، عامل زیان (هشداردهنده) مسئولیتی ندارد؛ یعنی هشدار با وجود شرایط آن رافع مسئولیت اعم از کیفری و مدنی است. پرسش اساسی این است که قانونگذار ما که در قوانین و مقررات از واژه هشدار استفاده نموده، آیا در وضع قوانین به قاعده هشدار و شرایط آن توجه داشته است؟ با نگاه اجمالی به قوانین و مقررات روشن می‌شود که قانونگذار علی‌رغم اینکه در متون قانونی به «هشدار» به‌عنوان عاملی اثرگذار پرداخته، ولی به قاعده هشدار و شرایط تحقق و اعتبار آن توجهی نداشته است. این درحالی است که هشدار هنگامی کارساز در رفع مسئولیت است که واجد شرایط مقرر باشد و اعتبار قانونی پیدا کند. این عدم توجه به شرایط قاعده هشدار در وضع قوانین چه پیامدهایی دارد؟ مفهوم و مبانی و شرایط قاعده هشدار چیست و مقنن برای وضع قوانین با محوریت هشدار به چه کیفیتی باید به شرایط قاعده هشدار پرداخته و مقررات و شرایط مزبور را رعایت نماید؟ در این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی به سؤالات فوق پاسخ داده می‌شود و پیشنهادهایی برای بهبود وضع موجود مطرح می‌گردد. درواقع در این مقاله، نگاه نویسنده به قاعده هشدار از منظر یکی از عوامل مهم در قانونگذاری، یعنی شفافیت و اثربخشی در وضع قانون می‌باشد. ضمن اینکه مطالب ناظر به قوانین و مقررات و رویه محاکم است؛ اما از مجموع مطالب می‌توان رویکرد فعلی مقنن را شناخت و سپس لزوم تغییر این رویکرد را به دست آورد.

1. ماهیت هشدار

هشدار در اصل فعل امر از «هش داشتن» است؛ ولی به‌صورت اسم مصدر به‌کار می‌رود. هشدار دادن به معنی خبر کردن و متوجه ساختن است و نیز به معنی متوجه و ملتفت و مراقب و مواظب بودن است (لغتنامه دهخدا، ذیل واژه هشدار). در زبان عربی

معادل آن «تذییر» به معنای ترساندن، (واسطی، 1414ق: 259) جلوگیری کردن از چیز مضر (طریحی، 1416ق: 26) و پرهیز و بیدار نمودن (ابن فارس، 1404ق: 37) است. هشدار در اصطلاح عبارت است از آگاه‌سازی زیان‌دیده از سوی عامل زیان، از وقوع احتمالی ضرر، به‌طوری‌که عدم اقدام از سوی زیان‌دیده در جهت رفع ضرر در حیطه اختیار وی قرار گیرد. در حقوق آمریکا نیز از هشدار و ابراز خطر نام برده شده که عامل زیان برای گریز از مسئولیت می‌تواند به آن استناد نماید و در معنی هشدار گفته‌اند: «هشدار دروابع از پیش گفتن خطر ذاتی در یک فعالیت مشخص است» (جامپیون، 1388: 242). در قوانین موضوعه ایران هشدار تعریف نشده و به‌عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت مطرح نگردیده، ولی در قوانین و مقررات داخلی به مقوله هشدار توجه شده است. برخی از فقها هشدار را به گفتاری و نوشتاری و عملی تقسیم کرده‌اند (سبزواری، 1413ق: 117). ولی با توجه به پیشرفت فناوری و گونه‌های مختلف خطر نمی‌توان وسایل هشداردهنده را محصور به دیداری و شنیداری و عملی کرد. هشدار دادن می‌تواند به‌وسیله رسانه‌ها و اینترنت و نامه‌های شخصی و ایمیل و غیره صورت گیرد. با توجه به نوع خطر و تناسب هشدار با خطر احتمالی، موقعیت زمانی و مکانی و وضعیت مخاطب هشدار، انواع دیگری را که با حواس لامسه و بویایی و چشایی و غیره در ارتباط است، می‌توان به انواع هشدار اضافه کرد.

2. مبانی قاعده هشدار

برابر حکم قاعده هشدار، مسئولیتی متوجه عامل زیان نیست و هشدار رافع مسئولیت عامل زیان است؛ اما نکته این است که عدم مسئولیت عامل زیان که گاهی، مستلزم مسئول دانستن شخص زیان‌دیده است، بر چه مبنای فقهی و حقوقی استوار است؟ چرا عامل ظاهری زیان مسئول نباشد؟ با در نظر گرفتن ارکان مسئولیت مدنی (فعل زیان‌بار، ضرر و رابطه سببیت عرفی بین فعل زیان‌بار و ضرر)، در ادامه به مبانی عدم مسئولیت هشداردهنده پرداخته می‌شود.

2.1. تقصیر

پیروان نظریه تقصیر مبنای مسئولیت عامل زیان و علت الزام وی به جبران خسارت را تقصیر و خطا دانسته و جنبه اخلاقی را بر قامت مسئولیت پوشانند (بهرامی احمدی، 1393: 102). منظور از تقصیر در اینجا تقصیر عامل زیان به لحاظ عدم هشداردهی نیست؛ چراکه بحث از مبانی حجیت هشدار در جایی است که هشدار با تمامی شرایط و جوانب آن اتفاق افتاده باشد؛ یعنی عامل زیان به موقع هشدار لازم را داده باشد و زیان دیده به هشدار مذکور توجه نکرده باشد. در اینجا بحث می شود که چرا عامل زیان مسئول نیست. در فرضی که عامل زیان به تکلیف خود، یعنی هشداردهی عمل نمی کند، درحقیقت اصل قاعده هشدار محقق نشده است تا در فکر چرایی عدم مسئولیت عامل زیان باشیم و به اصطلاح موضوع منصرف از بحث می باشد. لذا بحث در تقصیر مخاطب هشدار به علت عدم توجه به هشدار است؛ یعنی عامل زیان به موقع و با جمع شرایط لازم، بیم از وقوع خطر را هشدار می دهد، ولی زیان دیده به هشدار توجهی نمی کند و متحمل خسارت می شود. با فرض اینکه ترک فعل زیان دیده (عدم توجه به هشدار) تقصیر محسوب شود، می تواند مبنایی برای حجیت هشدار تلقی شود؛ البته این موضوع به دامنه تأثیر تقصیر در ایجاد مسئولیت و ملازمه بین مسئولیت زیان دیده با عدم مسئولیت عامل زیان برمی گردد که بحث آن در مبانی مسئولیت مدنی است. فرض ما این است که مخاطب هشدار با عدم توجه به هشدار مرتکب تقصیر شده است و زیان دیده در وقوع حادثه، ترک فعلی نموده که تقصیر باشد و مضافاً اینکه تقصیر مذکور در وقوع حادثه مؤثر باشد.

در حقوق فرانسه، تقصیر زیان دیده را مؤثر در انتفای مسئولیت به صورت معافیت کلی یا جزئی پذیرفته است (ژوردن، 1391: 230). در حقوق مصر که مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر می باشد، در موقعی که زیان دیده مرتکب تقصیر شده باشد و درعین حال عامل زیان (خوانده) مرتکب هیچ تقصیری اعم از مفروض و ثابت نگردیده باشد، چون

تقصیر زیان‌دیده باعث ورود ضرر به خودش می‌باشد، در فرض مذکور موجب معافیت کامل خوانده از مسئولیت می‌شود (السنه‌وری، 1414ق: ج 1، ص 881). در حقوق روم بر مبنای یک قاعده حقوقی موسوم به «پام پونیوس»¹ و تحت تأثیر آن، در نظام کامن‌لا بر طبق قاعده معروف «تقصیر مشترک»² زیان‌دیده‌ای که تقصیر او در ایجاد ضرر دخالت داشت، به‌طور کامل از مطالبه جبران خسارت محروم می‌گردد (محمودی، 1384: ج 28، ص 28). البته اگر مبنای حجیت هشدار را تقصیر مخاطب هشدار بدانیم، در نتیجه آن باید هر جا که زیان‌دیده تقصیر کرده باشد، عامل زیان از مسئولیت مبرا باشد؛ درحالی‌که این مبنا نمی‌تواند عام‌الشمول باشد؛ چراکه در مواقعی که عامل زیان نیز مرتکب تقصیر، مثلاً مرتکب فعل عمدی شده باشد، در این صورت تقصیر زیان‌دیده نمی‌تواند عامل زیان مقصر را از مسئولیت مبرا نماید.

2.2. مفاد قاعده اقدام

قاعده اقدام این است که هر کس نسبت به مال خود و به ضرر خود اقدامی نماید، کسی به نفع او مسئولیتی ندارد (جعفری لنگرودی، 1374: 70). به‌سخن دیگر هرگاه مالک که شرعاً دارای سلطه و احترام در مال خود است، احترام مال خود را از میان ببرد و سلطه خویش را اسقاط نماید، ضمان آن مال ساقط می‌شود (عمید زنجانی، 1391: 94). لذا گفته شده یکی از موارد استناد فقها به قاعده اقدام، «اقدام شخص بر ضرر مال خود یا جان و اعضا و جوارح خود با وجود هشدار و تحذیر و رسیدن هشدار به وی و امکان فرار وی» است (موسوی بجنوردی، 1388: 85). به‌هر حال آنانی که رافعیت ضمان از عامل زیان را بر مبنای مفاد قاعده اقدام می‌دانند، درواقع فعل مخاطب هشدار را ملاک تشخیص قرار می‌دهند و به‌جای عمل عامل زیان (هشداردهنده)، اقدام وی را سبب رفع مسئولیت از عامل زیان در نظر می‌گیرند. همین امر باعث می‌شود در مبنا قرار

1. Pomponius.

2. Contributory negligence.

دادن قاعده اقدام برای قاعده هشدار ایراد جدی باشد. شاید بتوان تناظر یا تنافی قاعده اقدام را برای قاعده تحذیر ملاک رافع ضمان در نظر گرفت.

2.3. قطع رابطه استناد (سببیت)

قاعده تسبیب به عنوان مستند قاعده هشدار بیان شده است؛ بدین معنی که سبب ورود خسارات، خود شخص خسارت دیده و مباشر آن، خسارت زننده است (محقق داماد، 1406ق: 239). به عبارت دیگر قاعده تحذیر براساس اصل عقلائی سبب و مباشر است که مخاطب هشدار به علت عدم توجه به هشدار و اقدام در ورود به منطقه خطر، نسبت به مباشر تلف اقوا محسوب می شود (همان: 242). گاهی در وقوع حادثه و ایجاد تلف، سبب و مباشر اجتماع می کنند که در این صورت مسئولیت متوجه مباشر است؛ چون در این صورت استناد به مباشر نیرومندتر از استناد به سبب است (محقق حلی، 1408ق: 186). برپایه این دیدگاه، رابطه سببیت میان ضرر و عامل زیان برپایه معیار سببیت از پیش وجود دارد؛ ولی عامل دیگری (هشدار مناسب و عدم توجه مخاطب هشدار) وارد می شود و رابطه سببیت میان عمل عامل را با ضرر وارده از میان می برد؛ به طوری که گویی از آغاز این رابطه وجود نداشته است. این قطع رابطه استناد با انتفای رابطه سببیت متفاوت است؛ زیرا در انتفای رابطه سببیت، اساساً این رابطه از آغاز وجود ندارد؛ ولی در انقطاع رابطه سببیت، رابطه سببیت وجود دارد. وانگهی عاملی آن رابطه را قطع می کند. در وقوع یک پدیده منجر به خسارت، عوامل فراوانی می تواند دخیل باشد؛ ولی آنچه مهم است و می تواند مبنا باشد، همان انتساب ضرر به عامل زیان است. عامل زیان با عمل زیان آور (فعل یا ترک فعل) ایجادکننده زیان است و رابطه سببیت عرفی میان فعل عامل ظاهری زیان و ضرر وجود دارد؛ ولی مخاطب هشدار با ارتکاب عمل از نوع ترک فعل و تقصیر، این رابطه سببیت بین عامل زیان و ضرر را قطع می کند؛ که درواقع مبنای عدم مسئولیت هشداردهنده و بالتبع توجه مسئولیت به مخاطب هشدار، عمل هشداردهنده است که با جمع شرایط، باعث انقطاع رابطه سببیت میان عامل زیان و

ضرر شده است. در میان نظرهای ارائه شده در مبانی قاعده هشدار، دامنه نظریه (قطع رابطه استناد) از نظر گستردگی، وسیع تر است و با دیگر نظرهای ارائه شده در مبانی حجیت هشدار مانند قاعده اقدام، تقصیر همخوانی دارد. ازاین رو قطع رابطه استناد عرفی می تواند مهم ترین مبنای رفع مسئولیت عامل زیان در قاعده هشدار تلقی شود.

3. شرایط صدق هشدار قانونی

برای قانونی بودن هشدار شرایطی لازم است و این شرایط در قابلیت اعمال قاعده تحذیر مدخلیت دارد؛ به طوری که اگر شرایط هشدار وجود نداشته باشد، هشداردهنده از مسئولیت مبرا نمی شود. ازاین رو بررسی این شرایط حائز اهمیت است.

3.1. تناسب هشدار با خطر¹ (هشدار مؤثر باشد)

شکل هشدار با توجه به شرایط هر پرونده می تواند گوناگون باشد. با مراجعه به آثار فقهی و حقوقی می توان مصادیق زیادی از هشدار در مسئولیت قراردادی (عهدی) و نیز در مسئولیت خارج از قرارداد (قهری) پیدا کرد. در روایت امام صادق (ع) و حکمیت حضرت علی (ع)، هشدار به صورت فریاد زدن یعنی هشدار شنیداری (صوتی) بوده است؛ اما هشدار شنیداری یا صوتی در روایت یادشده موضوعیت ندارد؛ بلکه این عرف است که با توجه به نوع اتفاق و حادثه، نوع و کیفیت هشدار لازم را مشخص می سازد (علامه حلی، 1413ق: 652؛ شهید ثانی، 1413ق: 341؛ حائری طباطبائی، 1418ق: 277). درواقع هشدار مؤثر محسوب می شود که در آن عوامل مکانی، زمانی، موضوع خطر، شدت آن و همچنین نوع مخاطبان در نظر گرفته شده و متناسب با آن عوامل صورت گیرد.

3.2. مشروعیت فعل هشداردهنده (عمدی نبودن عمل زیان بار)

صرف هشدار مؤثر و اعلام خطر باعث رفع مسئولیت هشداردهنده نیست، بلکه عمل هشداردهنده باید قانونی و مشروع باشد. هشدار در کارهای نامشروع و غیرقانونی مؤثر

1. The Effectiveness of Warning.

در انتفای مسئولیت نیست. بنابراین در قاعده هشدار اولاً هشداردهنده نباید قاصد و عامد به ایراد صدمه و خسارت باشد، هرچند ابتدائاً نیز هشدار لازم را داده باشد. ثانیاً دریافت‌کننده هشدار خود را وارد معرکه کند؛ اعم از اینکه این اقدام او ناشی از عمد یا تسامح باشد (موسوی بجنوردی، 1388: 128). کسی که به عمد و با قصد به دیگری صدمه می‌زند یا موجب ایراد خسارت به اموال دیگری را فراهم می‌آورد، عمل او از مصادیق فعل غیرقانونی و نامشروع است.

3.3. تقدم هشدار بر عمل زیان‌بار و ضرر

برای اعمال قاعده تحذیر ضرورت اخطار پیش از وقوع حادثه اجتناب‌ناپذیر است. آشکار است که اگر عامل زیان پس از ورود زیان به دیگری، هشدار دهد، هشدار یادشده در رفع مسئولیت عامل زیان مؤثر نیست. چون هشدار پس از وقوع حادثه، اگرچه ممکن است در جلوگیری از تشدید خسارت مؤثر باشد، ولی در اصل مسئولیت عامل زیان، ویژگی اثربخشی ندارد. در برخی موارد، میان عمل زیان‌بار با ورود خسارت فاصله آن اندازه کوتاه است که عرفاً این دو را همزمان هم در نظر می‌گیرند. در چنین مواقعی روشن است که هشدار باید پیش از عمل زیان‌بار صورت گیرد که درواقع هشدار مذکور پیش از وقوع ضرر نیز محسوب است؛ ولی در بیشتر موارد، میان عمل زیان‌بار و ورود ضرر فاصله زمانی وجود دارد؛ اما با توجه به نظر برخی فقها می‌توان چنین برداشت کرد که هشدار پیش از وقوع ضرر ملاک است؛ اگرچه عمل زیان‌بار شروع شده باشد.

گفته شده تقدم هشدار بر عمل زیان‌بار شرط لازم نیست.¹ «لا ضمان علی من حذر و لا دیة و لا قیمة و لا ارش لما یهلك بعد تحذیره» (حلبی، 1403ق: 403). در نظر

1. دادنامه شماره 9109970210400796 در پرونده کلاسه 9109980210400442 شعبه 187 حقوقی مجتمع قضایی بعثت تهران.

فقیه مذکور، عدم مسئولیت عامل زیان مستند به این است که خسارت، پس از هشدار به زیان دیده، وارد شده، اگرچه قبل از شروع عمل زیان بار هشدار داده نشده است؛ بنابراین شرط تقدم هشدار، به «ضرر» ملاک است نه «عمل زیان بار».

3.4. وصول هشدار به مخاطب (امکان درک خطر)

اطلاع زیان دیده از مفاد هشدار یکی از شرایط لازم برای رفع مسئولیت عامل زیان می باشد. اصل رافعیت هشدار است؛ ولی شنیدن زیان دیده در تحقق هشدار شرط است (مجلسی، 1404ق: 48). علامه حلی رفع ضمان عامل زیان را مشروط به شنیدن مخاطب هشدار می داند (علامه حلی، 1420ق: 534). به این معنی که اگر ثابت شود تیرانداز گفته باشد حذار (بپرهیز) و مصدوم شنیده باشد، ضامن نیست. «قید شنیدن که در پاره ای از نوشته های فقهی آمده، از عنوان های طریقی است نه اینکه خود موضوعیت داشته باشد. بنابراین می توان آن را به هر نوع وسیله اخطار دهنده تسری داد». هدف از هشدار این است که مخاطب به وسیله آن از وضعیت خطرناک آگاهی یابد و بتواند خود را از مهلکه برهاند. این آگاهی می تواند از راه شنیدن یا دیدن یا خواندن و غیره باشد و اگر مانعی برای رسیدن هشدار به وی وجود داشته باشد، نمی توان هشدار را نتیجه بخش و رافع ضمان قلمداد کرد.

3.5. امکان فرار و چاره جویی (امکان ترک خطر)

شهید ثانی به شرط یاد شده اشاره دارد (شهید ثانی، 1410ق: 120). طبق نظر مذکور، اگر عامل زیان هشدار ندهد و هشدار به موقع نباشد و برای مخاطب هشدار امکان اجتناب از خطر وجود نداشته یا زیان دیده هشدار را نشنیده باشد، مسئولیت عامل زیان باقی است. فخرالمحققین در این باره می گوید: اگر ثابت شود که هشدار داده و مخاطب هم شنیده و امکان فرار هم داشته هشدار دهنده ضامن نیست (فخرالمحققین، 1387ق: 659). برخی دیگر نیز «تمکن از عدول» را یکی از شروط معافیت مسئولیت عامل زیان در قاعده هشدار

برشمرده‌اند (اردبیلی، 1403ق: 243؛ کاشف الغطاء، 1423ق: 85؛ حائری طباطبائی، 1418ق: 278). برخی از فقها ممکن بودن عدول از خطر را به کمال عقل و بلوغ مخاطب هشدار تسری داده‌اند (فاضل هندی، 1416ق: 252). بدین معنی که امکان اجتناب از خطر و امکان رهایی و چاره‌جویی، در برخی مواقع ناظر به وضعیت مخاطب هشدار است؛ بنابراین اگر مخاطب هشدار به علت جنون یا کودکی، قدرت و توانایی لازم برای اجتناب از خطر نداشته باشد و در نتیجه متحمل زیان شود، در این صورت عامل زیان اگرچه هشدار لازم را داده باشد، از مسئولیت مبری نمی‌شود. تمکن از عدول و توانایی ترک محل با توجه به موضوعات مختلف متفاوت می‌باشد. افزون بر داشتن زمان کافی و نیز توانایی و قدرت جسمی، محل حادثه باید طوری باشد که برای ترک حادثه ممانعت به عمل نیاید. اگر مخاطب هشدار به علت وجود موانع بر سر راه خود (مانند رودخانه خروشان یا پرتگاه هراس‌انگیز) نتواند از محل حادثه فرار کند، هشداردهنده اگرچه هشدار داده باشد، به علت عدم وجود شرط «تمکن از عدول» مسئول است.

4. رویکرد عملی محاکم قضایی

با مذاقه در بسیاری از پرونده‌های مطروحه در محاکم دادگستری موضوعاتی به چشم می‌خورد که به گونه‌ای صریح یا ضمنی با موضوع هشدار در ارتباط هستند. به چند نمونه رأی دادگاه‌ها که حاکی از یک رویه قضایی در رابطه با تأثیر هشدار در مسئولیت مدنی است، اشاره می‌شود:

الف) به موجب محتویات پرونده حقوقی¹ به خواسته مطالبه وجه خسارت وارده به اتومبیل با انجام رسیدگی لازم و احراز مالکیت خواهان بر اتومبیل و ورود خسارت به

1. کلاس پرونده: 2666/91/26 شعبه 26 دیوان عدالت اداری و نیز پرونده 2722/91/26 شعبه 26 دیوان عدالت اداری.

ایشان، سد معبر، بدون قرار دادن علائم هشداردهنده، تقصیر قلمداد و موجب مسئولیت دانسته شده است.

ب) به موجب محتویات پرونده‌ای¹ در شعبه 26 دیوان عدالت اداری، شاکی بر اثر انفجار مواد منفجره به‌جای‌مانده از دوران جنگ تحمیلی در حین تردد معلول گردیده و کمسیون ماده 2 معلولیت وی را ناشی از بی‌توجهی خود شاکی و تردد در منطقه ممنوعه (میدان مین) اعلام نموده است. شاکی علیه کمسیون مربوطه مستقر در فرمانداری شهرستان، اعتراض می‌نماید و شعبه 26 دیوان عدالت اداری، شکایت را وارد و عدم هشداردهی را نوعی تقصیر دانسته و با احراز رابطه سببیت بین تقصیر مذکور و ورود زیان، مسئول حادثه را تعیین نموده است.

ج) در پرونده‌ای² در دیوان عالی کشور اطلاع مصدوم حادثه از علائم هشداردهنده و منطقه خطر احراز و اقدام علیه خودش تلقی شده و با احراز اینکه هشداردهی از وظایف خواننده بوده و خواننده به تکلیف خود عمل ننموده، عدم هشداردهی را تقصیر تلقی و موجب مسئولیت دانسته شده است.

د) در پرونده‌ای³ شعبه 25 دیوان عالی کشور درخصوص فرجام‌خواهی، در ابرام رأی فرجام‌خواسته چنین نظر داده است: «درخصوص دعوی ... خواهان مدعی است که در مجموعه خواننده جزء مدعویین عروسی بوده که کودکی در استخر سقوط می‌نماید و نامبرده برای نجات وی وارد استخر شده و به علت تاریکی و عدم نظافت جلبک‌ها و لغزنده بودن حاشیه استخر دچار مصدومیت گردیده، با توجه به محتویات پرونده کیفری که حاکی از این است که مجتمع خواننده در محل استخر تابلوهای هشداردهنده نصب نموده بود و عمل خواهان براساس حسن نوع‌دوستی و اقدام علیه خود به شمار می‌رود و

1. دادنامه شماره 1391/6/28-100099 صادره از شعبه دوم دادگاه نظامی یک آذربایجان غربی، مرجع رسیدگی شعبه سی و دوم دیوان عالی کشور.

2. شماره دادنامه شماره: 25/435/91 در پرونده کلاسه 25/910334/91

3. دادنامه شماره 90/12/15-9009979165900316 صادره از شعبه دوم دادگاه نظامی یک استان کردستان.

با عنایت به اینکه خواهان هیچ‌گونه دلیلی که مبین قصور یا تقصیر خواننده در وقوع صدمات جسمانی به وی باشد ارائه ننموده لذا دادگاه دعوی مطروحه را موجه ندانسته و حکم به بطلان آن صادر و اعلام می‌نماید.

ه) به موجب دادنامه دادگاه بدوی^۱ موضوع تحت شمول قاعده هشدار (اقدام) تشخیص داده شد؛ لکن دادگاه بدوی مسئولیت نسبی را لحوق حکم قرار داده است؛ اما شعبه دیوان عالی کشور نظر داده که چنانچه موضوع منطبق با قاعده مذکور باشد، باید به‌طور کامل انتفای مسئولیت صورت گیرد.

و) در یک پرونده کارگری،^۲ دادگاه کارفرما را به علت عدم هشداردهی مقصر تشخیص داده است. طبق مفاد رأی مذکور، عدم هشداردهی هنگامی که علت اصلی حادثه باشد، موجب مسئولیت شخص است؛ چراکه در یک حادثه زیان‌بار ممکن است عوامل زیادی مداخلیت داشته باشد؛ لکن آنچه مسئولیت‌آور است، صرفاً همان علت اصلی (سببیت عرفی) است.

ز) حسب محتویات پرونده‌ای^۳ در دیوان عدالت اداری آمده است: «نظر به اینکه مدافعات مرقوم از سوی مشتکی عنه دلالت بر ورود خسارت به اتومبیل شاکی را داشته و چنانچه طرف دعوی در نصب علائم هشداردهنده مسامحه نمی‌نمود و احتیاط معمولی را رعایت می‌کرد خسارت ایجاد نمی‌شد و اگر شهرداری رعایت نظامات دولتی، از جمله نصب علائم هشداردهنده را می‌نمود خسارت به وقوع نمی‌پیوست، به همین جهت در احراز مسئولیت تشخیص عرف در علت وقوع حادثه کافی می‌باشد».

1. دادنامه شماره 9209972511400839 در پرونده کلاسه 9109982501200366 شعبه 114 دادگاه عمومی دادگستری شهرستان قم.
 2. کلاسه پرونده: 4/92/33 شعبه 33 دیوان عدالت اداری.
 3. دادنامه شماره 9209972885600688 در پرونده کلاسه 9209982885600314 شعبه ششم دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان اسلامشهر.

ح) در پرونده‌ای دیگر¹ دادگاه خوانده را به علت عدم انجام وظیفه هشداردهی محکوم نموده است. در دادنامه مذکور آمده است: «در مورد دادخواست تقدیمی خواهان به خواسته مطالبه خسارات وارده به خودرو متعلق به وی به علت عدم رعایت مقررات و نصب علائم هشداردهنده و عدم ایمنی مسیر عبور خودروها توسط خوانده، دادگاه با عنایت به اینکه کارشناسان مربوطه علت حادثه و میزان خسارات وارده به خواهان را برآورد کرده و سبب بروز خسارت را شهرداری اعلام کرده‌اند و اینکه نماینده خوانده دفاع موجهی نکرده است، لذا دعوی خواهان ثابت بوده و به استناد ماده 331 قانون مدنی و ماده یک قانون مسئولیت مدنی حکم بر محکومیت خوانده صادر می‌گردد».

ط) به دلالت پرونده‌ای² در شعبه اول تشخیص دیوان عدالت اداری با این استدلال که دلیلی بر عدم توجه به علائم هشداردهنده از ناحیه مخاطب هشدار در پرونده محاکماتی وجود ندارد، رأی بدوی مورداعتراض را نقض نموده است.

در پرونده‌ای³ درخصوص دادخواست زیان‌دیده به طرفیت شهرداری به خواسته مطالبه خسارت وارده به اتومبیل، عدم هشداردهی تقصیر تلقی شده و بر مبنای تقصیر که اثبات‌کننده رابطه سببیت است، موجبات مسئولیت مقصر حادثه را فراهم آورده است. گفته شده اگر شهرداری علائم هشداردهنده را با رعایت شرایط آن در منطقه خطر تعبیه می‌کرد، نه تنها احتمال وقوع حادثه نمی‌رفت، بلکه در صورت وقوع حادثه هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه شهرداری نبود.

-
1. اعمال ماده 18 قانون دیوان عدالت اداری مصوب 1385، نسبت به دادنامه‌های صادره از شعبه 25 دیوان عدالت اداری به شماره 89/1/23-98 مطروحه در کلاس 2621/25/88.
 2. دادنامه شماره 9109970210100773 در پرونده کلاس 9109980210100646 شعبه 176 حقوقی مجتمع قضایی بعثت تهران.
 3. دادنامه شماره 9309970223700047 در پرونده کلاس 9209982290100712 شعبه 37 دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

ی) حسب محتویات پرونده‌ای^۱ در شعبه 37 دادگاه تجدیدنظر استان تهران، متعارف بودن علائم هشداردهنده، جهت رفع مسئولیت لازم دانسته شده است؛ به‌طوری‌که این علائم باید در منظر و دید هر عبورکننده‌ای قرار گیرد.

ک) مفاد یکی از پرونده‌های محاکم تجدیدنظر،^۲ حاکی از این است که عدم هشداردهی، تقصیر تلقی می‌شود و چنانچه با تقصیر دیگری در ورود زیان جمع شود، باید میزان تقصیر هریک دقیقاً مشخص و لحوق حکم قرار گیرد. در پرونده مذکور بنا به تشخیص کارشناس مربوطه، عدم هشداردهی یا عدم رعایت شرایط هشدار در کنار عوامل دیگر تقصیر تلقی گردید و دادگاه نظر داد که میزان تقصیر باید مشخص شود تا بر مبنای آن میزان خسارت برآورد و مورد لحوق حکم دادگاه قرار گیرد.

در مواردی که عامل زیان به تکلیف هشداردهی خود عمل نکند و از این بابت متهمی به ورود خسارت شود، موضوع با مبنای تقصیر تفسیر می‌شود و به علت تقصیری که سبب ورود خسارت است، مسئولیت تعیین می‌گردد. درواقع رابطه سببیت بین تقصیر عامل ظاهری زیان به علت عدم هشداردهی و زیان وارده مبنای مسئولیت است. حال ممکن است اسباب دیگری این رابطه سببیت را قطع نماید که در این صورت سبب اخیر مسئول تلقی می‌شود. نمونه آن را می‌توان در رأی شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به شماره 9309970220300495 مشاهده نمود؛ خودروی سواری پراید با حفاظ خط ویژه اتوبوس تندرو در بزرگراه امام علی (ع) تصادف می‌کند و راننده آن به طرفیت شهرداری تهران دعوی مطالبه خسارت مطرح و دادگاه بدوی به استناد نظریه کارشناس و به علت تقصیر خواننده به لحاظ عدم به‌کارگیری و نصب علائم و تابلوهای استاندارد قبل از شروع به کار، حکم به محکومیت شهرداری به پرداخت خسارت صادر می‌کند با تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه، قضات دادگاه تجدیدنظر مذکور، رأی بدوی را

1. دادنامه شماره 9209970223101356 در پرونده کلاسه 9209982168600421 شعبه 31 دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

2. <http://www.qhavanin.ir/detail.asp?id=8906>.

با این استدلال که «با فرض پذیرش عبور راننده خودرو از مسیر ویژه باعث قطع رابطه سببیت ادعایی (تخلف شهرداری در عدم نصب علائم هشداردهنده) می‌شود، لذا بین زیان وارده و تخلف منتسب به شهرداری رابطه سببیت احراز نمی‌گردد»، مخدوش دانسته و حکم به رد دعوی صادر می‌کند.

بعضی آرای قضایی نیز مبنای عدم مسئولیت عامل زیان را قاعده اقدام تشخیص داده‌اند. نمونه آن در رأی دادگاه نظامی یک لرستان است که متهم نظامی را به علت عمل طبق قاعده هشدار تبرئه نموده است. در قسمتی از رأی آمده: «چون متهم نظامی به وظیفه شرعی و قانونی خود عمل کرده و اینکه مقتول خود اقدام علیه خودش نموده است و طبق حدیث مروی از امیر المؤمنین (ع) (قد اعذر من حذر) حکم به تبرئه او صادر می‌گردد و رأی مذکور در شعبه 26 دیوان عالی کشور ابرام شده است».

نتیجه اینکه در مواردی که عامل زیان به تکلیف هشدار دادن عمل نمی‌کند و شرایط هشدار را رعایت نمی‌کند و به این علت به دیگری خسارت وارد می‌شود، موضوع از باب قاعده هشدار نیست؛ بلکه از باب رابطه سببیت و تقصیر توجیه می‌شود. اما در موردی که هشدار با رعایت کلیه شرایط داده‌شده و هشدارگیرنده علی‌رغم اطلاع، از منطقه خطر اجتناب نمی‌کند و متحمل زیان می‌شود، هشدار با وجود جمیع جهات، مبنای عدم مسئولیت عامل زیان و بالتبع تحمیل خسارت به مخاطب هشدار و از مصادیق قاعده اقدام دانسته شده است.

5. انعکاس ناتمام قاعده هشدار در قوانین و مقررات

قانونگذار ایران در موارد گوناگونی از واژگان هشدار و ابراز خطر جهت رویگردانی از پیش آمدن حوادث به‌گونه صریح یا ضمنی استفاده کرده که نشانگر رویکرد کلی قانونگذار در اعتباردهی به هشدار و نحوه کاربردی کردن این قاعده عقلایی است. باین‌وصف این رویکرد به نحو تام بروز و ظهور پیدا نکرده؛ لذا قوانینی که به هشدار پرداخته است، در سه گروه موردارزیابی قرار می‌گیرند.

5.1. هشداردهی با رعایت شرایط قاعده هشدار

با سیر اجمالی در قوانین و مقررات به جرئت می‌توان گفت که هیچ قانون یا مقرراتی یافت نمی‌شود که در آن قانونگذار به‌صورت کامل و منجز، تمامی شرایط کامل قاعده هشدار را در وضع قانون مورد مذاقه قرار داده باشد.

5.2. هشداردهی با رعایت نسبی شرایط قاعده هشدار

در پاره‌ای قوانین و مقررات شرایط قاعده به‌صورت نسبی هنگام وضع قانون مورد توجه قرار گرفته است.

- در آیین‌نامه علائم ایمنی در کارگاه‌ها مصوب 1386/11/1 درباره ایمنی ماشین‌آلات و تجهیزات و جهت جلوگیری از خطرات احتمالی، طبق ماده 37 آیین‌نامه یادشده، استفاده از اتیکت‌هایی را لازم دانسته است. این اتیکت‌ها به‌عنوان علائم هشداردهنده برای اینکه رافع مسئولیت باشد، باید دارای شرایطی باشد که در مواد 38 و 39 و 41 آیین‌نامه تبیین شده است.

- در آیین‌نامه ایمنی تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب مصوب 1389/3/2 در مواد 2 و 8 و 15 و 18 و 56 و 58 و 66 آن، به مطالبی برمی‌خوریم که قانونگذار به‌روشنی به لزوم هشداردهی در جهت اجتناب از خطر و تناسب هشدار با خطرات احتمالی و کیفیت هشداردهی اشاره دارد.

- در آیین‌نامه حفاظتی کارگاه‌های ساختمانی مصوب 1381/6/9 مواد زیادی به موضوع هشدار پرداخته است. نمونه آن ماده 10 آیین‌نامه مذکور است که برای جلوگیری از ورود افراد متفرقه به درون کارگاه نصب علائم هشداردهنده را لازم و ضروری می‌داند. یا ماده 11 آن که ضمن تأکید بر اینکه نباید در معابر عمومی مصالح ساختمانی و نخاله‌های آن ریخته شود، اعلام می‌دارد در صورتی که موقتاً لازم شود این مصالح در معابر عمومی ریخته شود، باید از تابلوها و علائم هشداردهنده قابل رؤیت استفاده شود تا از وقوع حوادث جلوگیری شود. مشابه همین ماده در ماده 35 آیین‌نامه نیز در خصوص فضای عمومی مجاور کارگاه به نصب علائم هشداردهنده مؤثر اشاره

دارد. در ماده 46 آیین‌نامه مذکور، برای توقف اجباری ماشین‌آلات راهسازی و ساختمانی در حاشیه جاده‌های عمومی در شب، لزوم استفاده از علائم مناسب هشداردهنده را گوشزد می‌نماید. همچنین طبق ماده 194، ضمن محصور نمودن منطقه خطر در اطراف ساختمان در حال تخریب باید از علائم هشداردهنده استفاده کرد. در زمان گودبرداری جهت پیشگیری و اجتناب از خطر سقوط افراد و وسایل نقلیه به درون محل‌های حفاری نیز نصب علائم هشداردهنده طبق ماده 245 ضروری است. ضمن اینکه این علائم باید خصوصیتی را که در آیین‌نامه پیش‌بینی شده است، دارا باشد.

- همان‌طوری که قبلاً در شرایط هشدار توضیح داده شد، کیفیت هشداردهی با توجه به خصوصیات مخاطب هشدار تفاوت دارد. قانونگذار به این مهم توجه داشته است. در آیین‌نامه ایمنی افراد دارای اختلال شنوایی در کارگاه‌ها مصوب 1389/11/1 با توجه به اینکه مخاطب هشدار ناشنوا می‌باشد، در مقررات مربوط به هشداردهی به نکات ظریفی تأکید شد که در مواد 2، 4، 5، 6، 8، 10، 11، 12 و 19 آیین‌نامه مذکور انعکاس یافته است.

- در آیین‌نامه حفاظتی کار با سموم دفع آفات در کارگاه مصوب 1389/3/19 در ماده 48، به نصب علائم هشداردهنده و رعایت تناسب وسایل هشداردهنده با موقعیت محل کارگاه اشاره می‌نماید.

- در ماده 130 آیین‌نامه ایمنی کار در ارتفاع مصوب 1389/11/21 راجع به نصب علائم هشداردهنده مقرر می‌دارد: «بر روی بدنه بالابرهای سیار باید لوح شناسایی، دستورالعمل‌های ایمنی و علائم هشداردهنده مطابق با استاندارد به گونه‌ای که واضح و خوانا باشد، نصب گردد».

- در آیین‌نامه ایمنی کار با ماشین‌آلات عمرانی مصوب 1391/5/1 در خصوص وظایف کارفرما در هشداردهی در محل اجرای عملیات طی مواد 15، 69، 70 و 71، به شرایط و کیفیت هشدار مناسب اشاره دارد.

- در آیین‌نامه حفاظت و ایمنی در معادن که در سیزده فصل و 475 ماده و 21 تبصره در تاریخ 79/12/10 به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسیده است، در مواد 13، 16، 364 و 402، به موضوع هشداردهی می‌پردازد.

- در آیین‌نامه ایمنی کار در صنایع چوب مصوب 1390/5/12 به موارد زیادی از موضوعات مرتبط با هشدار اشاره دارد. برای نمونه می‌توان مواد 14 و 31 و 51 و 57 و 91 را نام برد.

در آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب 1384/3/18 مقررات زیادی است که به‌صورت صریح یا ضمنی به مسائل مربوط به هشداردهی می‌پردازد که می‌توان به مواد 68، 87، 112 و 212 اشاره کرد.

5.3. هشداردهی بدون رعایت شرایط قاعده هشدار

- در ماده 10 قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مواد روان‌گردان مصوب 1377/3/26 به لزوم هشدار دادن روی بسته‌ها و آگهی‌ها در زمینه مصرف برای ایمنی مصرف‌کننده اشاره دارد، بدون اینکه به نحوه هشداردهی و ضمانت اجرای عدم انجام آن بپردازد.

- بند 2 ماده 3 قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب 1388/7/15، ازجمله وظایف عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگان را دادن اطلاعات لازم شامل: نوع، کیفیت، کمیت، آگاهی‌های مقدّم بر مصرف، تاریخ تولید و انقضای مصرف دانسته که باید در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند. در ماده مذکور به‌نحو کلی به بیان معیارهایی می‌پردازد که مطابق آن اطلاعات مربوط به هرکالایی به تناسب آن کالا باید موردتوجه قرار گیرد.

- قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب 1373/10/18، به استفاده از علائم هشداردهنده اشاره دارد. تبصره 2 ماده 6 قانون اخیر، مأموران را موظف نموده که در ایستگاه‌های ایست و بازرسی وسایل هشداردهنده تعبیه نمایند. با استفاده از سازوکار مفاهیم (مفهوم مخالف) ماده مرقوم می‌توان استنباط

نمود که در صورت رعایت شرایط مقرر در ماده 6 و هشدارهای لازم از سوی مأموران و ورود صدمه یا خسارت به وسیله نقلیه یا اشخاص، طبق ماده 12 قانون مذکور و ماده 41 قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب 1382/10/9 مسئولیت متوجه آنها نمی‌باشد و در مقابل نیز اگر علی‌رغم وجود شرایط تیراندازی، هشدار لازم را نداده باشند، مسئولیت متوجه آنهاست. در ماده مذکور قانونگذار با قید «به اندازه لازم» در صدد بیان تناسب وسیله هشدار با نوع خطر بوده است و با توجه به اهمیت هشدار در رفع مسئولیت لازم بود به جزئیات بیشتری از وسایل هشداردهنده می‌پرداخت و علاوه بر هشدار عملی (مانع) و هشدار کتبی و دیداری (تابلو و چراغ گردون) به هشدار شنیداری مانند بلندگو نیز اشاره می‌نمود.

– ماده 4 قانون صیانت از حریم مسیرهای شبکه کابل فیبر نوری، شبکه مادر مخابرات کشور مصوب 1388/3/18، به وظایف مراجع مربوطه در رابطه با نصب علائم هشداردهنده به عنوان یکی از راهکارهای پیشگیری از حادثه و ورود خسارت به دیگران اشاره دارد. در ماده مرقوم به کیفیت وسایل هشداردهی و نیز نتیجه عدم هشداردهی و ضمانت اجرای آن اشاره نشده است.

– قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن مصوب 1349/4/7 با اصلاحات بعدی، در موارد متعددی به مفاد قاعده هشدار اشاره دارد. ماده 4 قانون مذکور برای بزرگراه‌های کشور مقرراتی بیان می‌دارد که بیان‌کننده اخطار و هشدار است و عدم رعایت موارد مذکور را به عنوان هشدار دارای ضمانت اجرای عدم مسئولیت راننده می‌داند. طبق ماده مذکور عابران پیاده و احشام و حیوانات مجاز نیستند در بزرگراه‌ها عبور نمایند و وسایل نقلیه نیز در خطوط بزرگراه حق توقف ندارند. حال اگر عابر پیاده بدون توجه به علائم هشداردهنده از بزرگراه گذر نماید و با وسیله نقلیه که راننده آن با سرعت مجاز در حرکت است، تصادف نماید، راننده تقصیر ندارد و مسئولیتی متوجه او نیست. تبصره ماده مرقوم نیز تکلیف ایجاد محل‌هایی برای توقف مجاز وسایل نقلیه را از وظایف

وزارت راه دانسته و بدیهی است که وزارت راه چنانچه به تکلیف خود در مورد هشداردهی عمل نکند، مسئول است. ماده 9 قانون مذکور نیز به همین مضمون از اهتمام مقنن به موضوع هشدار و رفع مسئولیت هشداردهنده اشاره دارد. ماده 10 قانون نیز کسانی را که هشدارهای مذکور را رعایت نکنند، مسئول هرگونه حادثه و زیان وارده دانسته است.

- در ماده 26 قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب 1389/12/8، قانونگذار راجع به راه‌هایی که برای عبور عابران پیاده در نظر گرفته شده، تکالیفی برای عابران برای توجه به علائم هشداردهنده و جلوگیری از وقوع حادثه مقرر نموده است که در صورت عدم توجه عابران و وقوع حادثه، چنانچه راننده وسیله نقلیه کلیه مقررات را رعایت نماید، مسئولیت متوجه راننده نمی‌باشد. در ماده مرقوم برای هشداردهی صرفاً عنوان علائم راهنمایی و رانندگی منصوبه در محل اکتفا شده است؛ ولی در مورد اینکه آیا غیر از علائم مذکور می‌توان از وسایل هشداردهنده دیگر به تناسب موضوع استفاده کرد یا خیر، ساکت است.

- در قانون کار مصوب 1369/8/29 به موادی می‌توان اشاره نمود که قانونگذار براساس آن، تکالیفی برای کارفرمایان و مسئولان کارگاه‌ها و نیز کارگران شاغل در کارگاه‌ها مقرر نموده است. طبق ماده 91 و 95 قانون کار عدم اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشتی کار و عدم آموزش لازم موجب مسئولیت کارفرماست و کارفرما باید به علت عدم رعایت مقررات هشداردهی از عهده خسارات وارده برآید. در مقابل چنانچه کارگر نیز با وجود آموزش‌های لازم و اخطار قبلی به دستورالعمل و مقررات مربوطه توجه نکند و متحمل خسارت شود، مسئولیتی متوجه کارفرما نیست. البته نحوه هشداردهی و کیفیت و تناسب آن را باید در آیین‌نامه‌های مربوطه جستجو کرد و در جایی که قانون و آیین‌نامه ساکت باشد، باید به عرف خاص مراجعه کرد؛ چنان‌که رویه قضایی دادگاه در حوادث مربوط به کار چنین است و کارشناس متخصص با در نظر

گرفتن جمیع جهات، اعم از آیین‌نامه‌ها و عرف مرتبط با فعالیت کارگاه، اقدام به ارائه نظریه کارشناسی می‌نماید.

- در قوانین مرتبط با مواد خوراکی و بهداشتی نیز قانونگذار در ماده 11 قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب 1346/4/22 با اصلاحات بعدی، به مؤسسات مربوطه تکلیف هشداردهی را طبق شرایط مذکور در ماده مرقوم گوشزد نموده است. ماده مذکور شرط تناسب هشدار با خطرهای احتمالی در کالاهای تولیدی را به تفصیل بیان نداشته که در نتیجه تشخیص «هشدار» از «راهنمایی» بسیار مشکل است.

- فصل ششم قانون مجازات اسلامی مصوب 1392/2/1، موجبات ضمان قانونگذار در تبصره 2 ماده 508 ناظر به ماده 507، به موضوع هشدار در جهت رفع ضمان می‌پردازد. طبق مستفاد از مادتين مذکور، اگر کسی در ملک دیگری گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، در صورتی که علائم هشداردهنده بگذارد و زیان دیده بدون توجه به علائم هشداردهنده، وارد منطقه خطر شود و زیان ببیند، به علت اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود زیان دیده (مخاطب هشدار) می‌باشد، لذا عامل ظاهری زیان (مرتکب) عهده‌دار ديه (ضمان) نیست. بدیهی است که اگر عملیات مذکور در ملک شخصی باشد و مصدوم حادثه با وجود هشدار توجهی ننموده و وارد ملک شده و آسیب ببیند، به طریق اولی مسئولیتی متوجه مرتکب نیست. در ماده مرقوم با توجه به اهمیت هشداردهی در رفع ضمان، جا داشت قانونگذار به نحوه و کیفیت هشداردهی به شرط تناسب هشدار با خطر احتمالی اشاره می‌نمود.

آیین‌نامه اجرایی کنترل و نظارت بهداشتی بر سموم و مواد شیمیایی مصوب 1378/6/14، خصوصاً ماده 9 آن، رعایت نکات ایمنی در مورد خطرهای مواد شیمیایی و سموم را در ضمن هشدارهای لازم برای تولیدکنندگان و فروشندگان و عرضه‌کنندگان

این نوع محصولات بیان می‌دارد. قانونگذار به قید «هشدارهای لازم» اکتفا کرده است؛ حال آنکه جا داشت نحوه و کیفیت هشداردهی را توضیح می‌داد تا از برداشت‌های مختلف جلوگیری شود.

- در ماده 18 آیین‌نامه و مقررات حفاظتی حفر چاه‌های دستی مصوب 1364/6/21، نصب علائم هشداردهنده را برای جلوگیری از ورود افراد به منطقه عملیات حفاری لازم می‌داند؛ لکن به همین قدر بسنده نموده و شرایط هشدار مؤثر را بیان نداشته است.

- مواد 14 و 15 و 96 آیین‌نامه حفاظتی تأسیسات الکترونیکی در کارگاه‌ها مصوب 1387/1/31، بر لزوم استفاده از علائم هشداردهنده تأکید دارد. قانونگذار بدون بیان جزئیات امر، صرفاً به قید مناسب بودن علائم هشداردهنده اکتفا کرده است.

6. آسیب‌شناسی عدم شفافیت شرایط احراز

با مذاقه در قوانین و مقررات جاریه به‌درستی آشکار می‌شود که قانونگذار در وضع قوانین و مقررات یادشده، اساساً به قاعده هشدار پروایی نداشته و اگر هم نیم‌نگاهی به قاعده یادشده داشته، به شرایط هشدار توجهی نداشته است. این در حالی است که در اینکه هشدار بتواند کارآمد در انتفای مسئولیت باشد، باید دارنده شرایط یادشده باشد. در پاره‌ای از این مقررات قانونی صرفاً به واژه هشدار اشاره شده و به آشکاراندن شیوه و چگونگی هشدار پرداخته نشده است. همان‌طور که در مباحث پیشین بیان شد، فرق است میان حادثه‌ای که شرایط قاعده رعایت شود و حادثه‌ای که این شرایط رعایت نشود. در اولی رافع مسئولیت کامل عامل زیان است و در دومی باید به دنبال میزان تقصیر و عوامل دیگر مسئولیت‌زا پرداخت. اگرچه قانونگذار در وضع قوانین و مقررات صراحتاً به قاعده هشدار اشاره نکرده است، ولی با جمع مقررات مربوطه می‌توان استنباط کرد که در بعضی موارد مثل قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، قانونگذار

ایران نیم‌نگاهی به قاعده هشدار داشته است. ضمن اینکه نکته حائز اهمیت در بررسی آیین‌نامه‌های بیان‌شده، این است که مقنن به علت غفلت از شرایط قاعده هشدار در وضع مقررات، تمامی جوانب امر را در نظر نگرفته و بسیاری از شرایط متناسب با خطر را ذکر نکرده و از آن غافل بوده است؛ درحالی‌که شناخت کافی از قاعده هشدار می‌تواند در تنظیم قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه بسیار مفید و در دقت و موشکافی جزئیات عوامل دخیل در حادثه از ناحیه قانونگذار تأثیرگذار باشد.

گستره قاعده هشدار در تمامی مسئولیت‌ها، اعم از کیفری و حقوقی و قهری و قراردادی، نمود و کاربرد دارد. هشدار قانونی در بعضی مواقع ناظر به عامل زیان است؛ بدین معنی که به عامل زیان گوشزد می‌کند که اقدام به عمل هشداردهی نماید تا از مسئولیت مبرا شود. برخی مواقع هشدار مقنن ناظر به اشخاصی است که در معرض خطر احتمالی هستند که از انجام بعضی از امور خودداری کنند. به‌هرحال این هشدارها اگر واجد شرایط نباشند، پیامدهایی نسبت به هشداردهنده و مخاطب هشدار دارند که به هرکدام اشاره می‌شود.

6.1. هشداردهنده

جان و مال و عرض و آبروی اشخاص محترم است (قاعده احترام) و هیچ‌کس نباید به دیگران ضرر برساند (قاعده لا ضرر). ولی در روابط اجتماعی گاهی اصل عدم اضرار به دیگران با حقوق دیگران تعارض پیدا می‌کند. گاهی نیز در رفع این تعارض نیاز است عامل زیان، پیش از ارتکاب فعل زیان‌بار، خطرهای احتمالی را به‌گونه‌ای گوشزد نماید که این عمل (هشدار) مانعی جهت ورود ضرر به دیگران باشد. عدم پاسخ‌دهی این تکلیف، خروج از رفتار متعارف است و به‌راستی ترک فعلی است که یکی از مصادیق تقصیر محسوب می‌شود. در مواردی که این تکلیف هشداردهی را قانون و مقررات به عامل زیان بیان می‌دارند، باید تا حد ممکن شرایط و کیفیت آن مشخص شود؛ وگرنه عامل ظاهری زیان به هر نحو که عمل نماید، باز احتمال عدم رعایت شرایط هشدار

وجود دارد و نتیجه آن سردرگمی عامل زیان است. به عبارت دیگر فرض ما در جایی است که قانونگذار به اشخاص تکلیف نموده که جهت جلوگیری از وقوع حادثه زیان بار، مبادرت به هشداردهی نمایند؛ اما نحوه و کیفیت آن را به صورت دقیق مشخص نکرده است. در این صورت عامل عمل زیان دقیقاً اطلاع ندارد که چگونه رفتار نماید؛ مثلاً در مورد عوامل شهرداری که در مواقعی که اقدام به حفر گودال برای امور شهری می نمایند، اگر در قانون و مقررات دقیقاً علائم هشداردهنده تعریف نشده و شرایط آن تبیین نشده باشد، جهت اجتناب از خطر، در اینکه چه اقداماتی باید انجام شود، موجبات سردرگمی عامل فعل زیان بار می شود. اگرچه لازم نیست قانونگذار تمامی جزئیات مربوطه به وسایل هشداردهنده را بیان کند، مثلاً دقیقاً در قانون قید نماید که فاصله علائم هشداردهنده با خطر چند متر باشد، بلکه در متن قانون و آیین نامه باید طوری بیان کننده شرایط باشد. برای مثال قید شود که فاصله علائم هشداردهنده تا محل خطر به اندازه ای باشد که قابل رؤیت توسط مخاطب هشدار باشد؛ حتی در مواردی شاید لازم باشد فاصله دقیقاً تشریح شود. اینکه صرفاً عرف را در تمیز شرایط هشدار کافی بدانیم، با توجه به برداشت های مختلف از عرف، پیامدهای منفی داشته و در جلوگیری از خطر کارآ نبوده و عامل ظاهری زیان را از سردرگمی نجات نمی دهد.

6.2. مخاطب هشدار

گاهی قانونگذار به اشخاص هشدار می دهد که از انجام بعضی از امور بپرهیزند؛ مثلاً با رؤیت علائم هشداردهنده به محل خطر وارد نشوند یا با بودن علائم هشداردهنده از خطر اجتناب ورزند. حال در فرضی که هشداردهی و نحوه و کیفیت آن طبق شرایط پیش گفته به روشنی تبیین نشود، سردرگمی و احتمال خطا برای مخاطب هشدار به وجود می آید. اگر به صرف اینکه عرف ملاک تشخیص است، از بیان جزئیات هشداردهی اجتناب شود و قانونگذار شرایط هشدار را با دقت و ظرافت بیان نکند، مخاطب هشدار در تشخیص خطر دچار تردید می شود و در وقوع حادثه تمایلی به اجتناب از خطر از

خود بروز نمی‌دهد. برای مثال آگاهی و درک خطر که یکی از شرایط قاعده هشدار است، باید به‌روشنی توسط قانونگذار تبیین شود. این امر نه تنها جهت جلوگیری از خطرهای احتمالی مؤثر است، بلکه در مسئول دانستن اشخاص و تأثیر هشدار در رفع مسئولیت عامل زیان یا مخاطب هشدار کارآیی دارد.

7. تشخیص مقصر حادثه

بدیهی است تا وقتی که حادثه‌ای اتفاق نیفتد، نوبت به رسیدگی به حادثه نمی‌رسد و مراجع قضایی دخالتی ندارند. اما با وقوع حادثه زیانبار و طرح شکایت یا دعوی مدنی، این دادرس دادگاه است که باید براساس محتویات پرونده و دلایل ابرازی و دفاعیات خوانده، مسئول حادثه را پیدا کند. هشدار به‌عنوان یکی از مسقطات ضمان در رفع مسئولیت کارا است. اگر قانونگذار در موقع وضع قانون یا آیین‌نامه به مناسبت‌های مختلف و با توجه به موضوعات گوناگون، شرایط هشدار را به‌دقت بیان دارد، در این صورت با وقوع حادثه، کشف علت اصلی حادثه یا احراز اینکه هشدار بایسته داده شده یا خیر و اینکه آیا مخاطب هشدار به هشدار توجه داشته و اجتناب از خطر صورت گرفته یا خیر، برای دادرس بسیار آسان‌تر از زمانی است که قانونگذار به صرف کلمه هشدار اکتفا نموده و شرایط آن را به عرف واگذار کرده است. در صورت اخیر دادرس دادگاه جهت تشخیص شرایط هشدار ناگزیر به مراجعه به عرف است و در این گونه موارد بدیهی است که سلايق عرفی هم وجود دارد و در تشخیص مسئولیت، تهافت در تصمیمات قضایی بیشتر می‌شود. همان‌طوری که در وضعیت فعلی در بسیاری از پرونده‌های مربوط به حوادث ناشی از کار و نیز مسئولیت شهرداری یا راه‌وترابری به علت عدم شفاف‌سازی در نحوه و کیفیت هشدار آرای متهافت صادر می‌شود؛ تاآنجا که در این گونه پرونده‌ها معمولاً موضوع به کارشناس احاله می‌شود و در حوادث مشابه در پرونده‌های مختلف کارشناسان با برداشت‌های مختلف از عرف، نظریات مختلف صادر می‌کنند و دادگاه نیز با تبعیت از نظر کارشناس اقدام به اصدار رأی براساس آن می‌نماید.

بدیهی است هرچه قانونگذار درخصوص هشداردهی و نحو و کیفیت آن به بیان موارد پردازد، به همان میزان رسیدگی به پرونده‌ها و تشخیص مسئول حادثه و رفع خصومت آسان‌تر خواهد بود و از صدور آرای متهاافت در حادثه مشابه جلوگیری می‌شود.

نتیجه

قاعده هشدار یکی از قواعد کاربردی است که جهت تحقق آن لازم است شرایطی همچون متناسب بودن هشدار با خطر، مشروع بودن عمل زیان‌بار، تقدم هشدار بر ضرر، امکان درک خطر و امکان ترک خطر جمع باشد. اگرچه قانونگذار در وضع قوانین و مقررات صراحتاً به عنوان «قاعده هشدار» اشاره نکرده، ولی در قوانین مختلف، ازجمله قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، نیم‌نگاهی به آن داشته است. باین‌وصف در هیچ‌یک از قوانین مزبور به ابعاد و شرایط کامل تحقق آن پرداخته نشده است. در رویه قضایی محاکم دادگستری نیز آرای زیادی به چشم می‌خورد که در آنها به مقوله هشدار جهت اثبات یا ارتفاع مسئولیت پرداخته شده است. نکته حائز اهمیت اینکه در قوانین و آیین‌نامه‌های بیان‌شده، مقنن به علت غفلت از بیان شرایط قاعده هشدار در وضع مقررات، تمامی جوانب امر و بسیاری از شرایط متناسب با خطر را ذکر نکرده و از آن عبور کرده است؛ درحالی‌که شناخت کافی از شرایط تحقق و اعتبار قاعده هشدار می‌تواند در تنظیم قوانین و آیین‌نامه‌های شفاف بسیار مؤثر باشد و با رفع ابهام از شرایط تأثیرگذار در تحقق موضوع و اعتبار اجرایی و کاربردی قاعده، از ظرفیت بالای پیشگیری آن در قانونگذاری و رسیدگی در محاکمات بهره‌گیری شود. با ذکر جزئیات هشداردهی توسط قانونگذار، راه صدور آرای متعارض و برداشت‌های مختلف از حوادث مشابه به حداقل می‌رسد و به‌علاوه اهداف مقنن در پیشگیری از وقوع حوادث در جامعه اجرایی می‌گردد. بازخورد توجه قانونگذار به شرایط هشدار در تنظیم قوانین و مقررات، کم شدن حجم پرونده‌ها در محاکم دادگستری است. قانونگذار با روی‌آوری به قاعده هشدار در هر موردی که هشدار دستاویز رفع مسئولیت می‌شود یا عدم

هشداردهی کارآمد در مسئولیت انگاشته می‌شود. اگرچه نمی‌توان تمامی مصادیق و جزئیات را بتمامه در قانون ذکر کرد، اما باید حسب مورد، هشدار را تعریف و مصادیق و جزئیات هشداردهی را با توجه به اهمیت موضوع آن، بر پایه شرایط هشدار تا جای ممکن بیان کرد تا راه هرگونه تفسیر را بسته، و هم مخاطب هشدار با ریزینی بداند که برای پرهیز از خطر چه کاری انجام دهد، و هم هشداردهنده بداند که با اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی مناسب در صورت پیش آمدن حادثه از مسئولیت مبرا خواهد شد.

منابع

1. ابن فارس، احمد بن زکریا، (1404ق)، معجم مقائیس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ج 2.
2. اردبیلی، احمد بن محمد، (1403ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج 14، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول.
3. بهرامی احمدی، حمید، (1393)، ضمان قهری - مسئولیت مدنی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم.
4. جامپیون جونیوز، والتر. تی، (1388)، مسئولیت مدنی در ورزش، مترجم حسین آقایی نیا، تهران: دادگستر، چاپ پنجم.
5. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (1374)، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ هفتم.
6. حائری طباطبائی، سید علی بن محمد، (1418ق)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، ج 3 و 16، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
7. حلبی، ابوالصلاح تقی الدین بن نجم الدین، (1403ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امیر المؤمنین، چاپ اول.
8. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (1420ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، ج 5، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول.
9. _____، (1413ق)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
10. حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن، (1408ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج 3، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
11. دهخدا، علی اکبر، (1377)، لغت نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.

12. زبیدی واسطی، سید مرتضی حسینی، (1414ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ج6، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول.
13. ژوردن، پاتریس، (1391)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق: ادیب، مجید، تهران: میزان، چاپ سوم.
14. سبزواری، سید عبد الأعلى، (1413ق)، مهذب الأحكام، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
15. السنهوری، عبدالرزاق احمد، (1414ق)، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج1.
16. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (1410ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول، ج10.
17. _____، (1413ق)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول.
18. طریحی، فخر الدین، (1416ق)، مجمع البحرین، ج2، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
19. عمید زنجانی، عباسعلی، (1391)، قواعد فقه بخش حقوق خصوصی، تهران: سمت، چاپ چهارم.
20. فاضل هندی، محمدبن حسن، (1416ق)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ج11، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
21. فخر المحققین، محمدبن حسن، (1387ق)، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج4، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
22. کاظمی، محمود، (1384)، «آثار تقصیر زیان دیده بر مسئولیت مدنی»، مجله دین و ارتباطات، شماره 28.
23. کاشف الغطاء، احمدبن علی، (1423ق)، سفینه النجاة و مشكاة الهدی و مصباح السعادات، ج4، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول.

24. مجلسی، محمدباقر، (1404ق)، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج 24، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم.
25. محقق داماد، سید مصطفی، (1406ق)، قواعد فقه، ج 2، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.
26. موسوی بجنوردی، سید محمد، (1388)، قواعد فقهیه، ج 1، تهران: مجد، چاپ دوم.
27. نجفی، محمدحسن، (1404ق)، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، ج 37 و 43، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ هفتم.